حسین علیشایور، خواننده آواز ایرانی

ذائقه مخاطب، مبتذل شده است

آدمها بنا به تجربيات زندگي شـخصي، ديدگاهي ويژه خود دارنــد درباره كار هم همین است به وَیژه شـغل و تخصصی مانند خوانند گی؛ مُمکن است برای برخی، خوانند گی فقط وسیله ای باشد که باآن خود رویی لوکس بخرند ممکن است بعضی

از کسانی که کار خوانندگی می کنند، در سایه این هنر به اهدافی رسیده باش وَّأَن اهداف برایشُــانُ مرجع شده باشد. أنها هدفشــان را از ابتدا این قُرار داده اند اما اعلیشا پور، چنین هدفی ندار د..

<u></u> زمانی برای رسیدگی به بورسیه های غیر قانونی

۱۲ در صفحه ۱۲ بخوانید...

= خيابان ديروز معناداشت اماامروز... | محمد اسماعي

دوسشداشتم؟ ابرشی از کتاب انامه به کودکی که هر گززا







این پرسش که نظم اجتماعی حول چه محور یا کاتونی، سازمان می یابد و این محور چگونه می تواند تمامی بخش های جامعه رادر پیوند کار کردی با یکدیگر نگه دارد، یکی از مهم ترین پرسش ها در بیده پرسس برده په به برده په برده په برده نیز بردسش نظریه اجتماعی است. نخستین پاسخ به این پرسش را دور کیم مطرح ساخت که شـکل کامل تــر آن را ر کرد. می توان در نظریه پارسونز دنبال کرد. دور کیم معتقد بود، جامعــه حول محور ۱۱ کار کرد۱ ســـامان می یابد. او بعتقد بود جامعه براي ياسخ گفتن به مجموعه نياز ها یا needs خود باید به تعریف مجموعهای از قلمروها یـــا fields بپُرداز د که هــَر یک وظیفه یـــا کار کرد یا استفاده از مجموعهای از منابع یا resources انجام دهند. دور کیم در پاسخ به این پرسش که کدام عوامل می تواننداین محموعه قلم وهای کار کردی را در بیوند می وست بین مسلومه سعرودی در طرفی و در پیوند با یکدیگر قرار دهند به دو عامل تقسیم کار تخصصی و روح جمعی اشاره می کرد. شکل کامل تر نظریه گر کردی دور کیم را باید در نظریه پارسونز جست وجّو کرد. پارسونز معتقد بود، جامعه ۴ نیاز کلیدی دارد که برای پاسے گفتن به آنها باید به تعریف ۴ نهاد عمده بردازد. نیاز نخست عبارت است از «سازگار شدن با محیط» پارسونزمعتقدبود، نهاداقتصاد» پاسخی است برای رفع این نیاز. اقتصاد به جامعه کمک می کند که بهترین شکل بامحیط خود ساز گار شود و بااستخراج منابع نهفته در آن نيروى لازم براى ادامه حيات خودرا فراهم آوردازاین رو، پارسونز معتقد بود در نهایت آن چه در حوزه اقتصاد به دست می آید «کالا و ثروت» است و .. طق مبادله» أنُچِهُ نُظم اين قلمرورا شكل مي دهد اُم است. به اعتقاد پارسونز نیاز دوم هر جامعه عبارت است از «تعریف و تولید آرمان ها و اهداف و حفظ آنها». پارسونز معتقد بود، انهاد فرهنگ، پاسخی است برای ر فع این نیاز . مهم ترین کار کر د قلمرو فرهنگ آن است كُه به توليداً رمان ها واهداف جامعه بپردازد و با تأكيد ر اهمیت آنها و باز تولید دوباره آنها به حفظ این اهداف ر را در این معتقد بود، آنچه و آرمانهاکمک کنداز اینرو، پارسونز معتقد بود، آنچه درنهایت در قلمرو فرهنگ بهدست می آید «معرفت و دانش؛ است و منطق حاكم بر اين قلمرو كه آن را پويا و زنده نگه خواهد داشت چيزي نيست جز «منطق گفتو گوا، صا در قلمرو فرهنگ از طريق مكانيسم گفتوگوبهمبادلهٔ دانشُ ومعرفتمی پُردازیم.نیاز س هر جامعه عبارت است از «درونی کردن این آرمان هاو اهداف در درون ذهنیت مردم جامعه، پارسونز معتقد بود که قلمرو «اجتماع» پاسخی است به این نیاز. ما در جتماعهای گرم از قبیل خانواده یا اجتماعهای سرد از قبیل بازار واز طریق روابط اجتماعی گرم و سردخود به درونی کردن آرمان ها، ارزش ها، هنجارها و اهداف

. روری بر بی بر بی جامعه در خــودمی پردازیم و از ایــن طریق تبدیل به انسان اجتماعی میشویم. این ما نیستیم که فقط در

جامعه زندگی می کنیم، بلکه جامعه هم در ما زندگی میکند از این رو، پارسونز معتقد بود آنچه درنهایت در قلمرواجتماع به دست می آیداز جنس اعاطفه و علاقه ا است و مکانیسم تبادل آن نیز «روابط اجتماعی» است. بالاخره این که از نگاه پارسونز چهارمین نیاز هر جامعه عبارتُ است از «تَحقق أَرمانُ ها واهدافي» كه در قلمرو فرهنگ تعریف و تولیدشده و در قلمرواجتماع به درون مردم راه یافته است. پارسونز نهاد «سیاست» را پاسخی ه رفع این نیاز جامعه می دانس که باید در راستای تحقق عملی اهداف و آرمانهای یک جامعه حرکت کند. بنابرایس آنچه در این قلمرو تولید می شود «قدرت» است که با دو مکانیسم «زور» و اایدئولوژی، در جامعه خودنمایی میکند. پارسونز معتقد بود،این۴نهاد هم باید کارکرد خود را به خوبی انجام دهند و هم در رابطه کار کر دی تعریف شده با

معجام دهسد و هی در رابطه در تردی عویه سده با یکدیگر باشندومنطق یکدیگر رامختل نکنند. مارکس برخالاف دور کیم و پارسونز معنقد به ود، جامعه بر محور انار کرده سامان نمی یابد. به اعتقاد مارکس، جامعه بر محور انارابری) و اتضاد

دنبال می کند. آنچه در رابطه میان این ۴نهاد کار کر دی یعنی فرهنگ، سیاست، اقتصاد و اجتماع . حی رو برای در این دارد که از همان آغاز انقلاب نهاد فرهنگ و پس از آن نهاد اجتماع دارای قدرت برتر یا دست بالا در این رابطه بود. به عبارت دیگر سال های نخستین انقلاب نشان می دهد که سالهای بعد، اما، با شدت یافتن منازعات بر سر ماهی و همچنین میسان کلیت انقلاب با نظام زور گوی بین الملل، اندک اندک شاهد بر تری یافتن منطق

نَد با نقد نظام های فرهنگی متداول و واسازی آنها جامعه را دعوت به شیوه های جدید

پروژهفکری خود قرار داد. اگر بخواهیم بسیار ساده سخن بگوییم، هابر ماس معتقد بود مهم ترین مشکل ں۔ رہے۔۔۔۔ مدرنیته کنونی یا نظم نظام اجتماعی غرب آن است که دوقلمرواقتصاد (بامنطق مبادله) وقلمرو سیاست (بامنطق زور) به استثمار دو قلمرو فرهنگ (بامنطق گفت و گو و اجماع و عقلانیت ارتباطی) و اجتماع (با منطق روابط انسانی) پرداختهاند و حاصل آن شده که منطق عقلانیت ابزاری و مبادلهای توانسته است چنین وضعیتی روبه رو شدن با زندگی اجتماعی پ تین د این کرد کرد است که منطق مبادله در همه زوایای آن نفوذ و آن را تسخیر کرده است. هابرماس یکی از مهم ترین راه حل های گذر از چنین وضعیتی را جنبش های وین اجتماعی می دانست. جنبش های نوین اجتماعی که هدفشان چیزی جز دگر گون کردن قدرت حاکم

انديشيدن كنند احياى عقلاتيت ارتباطى پيشنهاد گيدنز، رندال كالينز و...از جمله اين متفكران هستند ر میگر هابرماس برای حل این مشکل بود. -که هر یک به نحوی می کوشند نظم پیچیده جوامع انسانى و شــيوه تحول أن رابراى ما تشــريح كنند یکی از مهم ترین متفکران ترکیبی که دارای گرایش غالب انتقادی در تشریح نظم نظام سرمایه داری است، پورگنهابُرماس، جامعهشناس و متفکر برجسته آلمانی، است. هابرماس با پذیرش رویکرد رید بر استونز می کوشد نشان دهد که چگونه روابط کار کردی میان ۴ قلمرو اقتصاد، سیاست، اجتماع و فرهنگ در جامعه امروز غرب مختل شده . و این جامعه تعادل کار کردی خُود را از دست داده است. هابرماس در برخورد با دنیای مدرن و مدرنیته ست هاروعتی بر برخور، بنینی مطرن و مدریسه
همچون آمر نوعمل نمی کند آدار نومنتقد بود کا پاید
ورشنگری و مدرنینه دچار مشکل است و بایدان آن را
از بنیاد برانداخت. هابرماس، برعکس، معتقد بود ایده
روشنگری هنوز قابل دفاع است اماشکل تحقق یافته
آن دچار مشکل است، اکنون برسش اینجاست که هابرماس چه مشكلي را در شكل تحقق يافته مدرنيته یافته بود کے تشریح آن وارایه رامحل بسرای آن را

• جامعه ایران سال هاست که آرمان بنیان نهادن یک نظم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جدیدرا . اقدرت»بر منطق گفتو گو، روابط انسانی و مبادله هس

• نظم اجتماعی پیچیدهای است که در یک انتزاع تاریخی شکل کنونی خود را بازیافته است. رسیدن به تعادل دوباره کار کردی میان این قلمروها نیز نیازمند تاریخی از تلاش و برنامهریزی و فعالیت سیاسی - اجتماعی و تا حدودی شانس است که آنها را نمی توان در «همه پر سی» یافت.

> گونهای در پیوند با یکدیگر قرار می گیرند که بتوانند ر کراری کی برای کر در کی در در کردی در در کردی در در در کردی در در کردی در کر معتقد بود جامعه نه بر محور کار کرد سامان می یابد و نه بر محور نابرابری اجتماعی به اعتقاد وبر، آنچه در كانوُن نظمُ اجتَماعى جاى دار د«الگوى اقتدار» است. اگر مى خواھيم بدانيم نظـم يک جامعه چگونه عمل می کندنباید به مشاهده کار کردهای آن بیردازیم یابه تماشای الگوی نابرابری اجتماعی و تضاد طبقاتی آن ىيەسى سوى بېرېرى جىيەسى و ئىسى تىبىلى س برويم، بلكە بايد بېينيم چە كسى از چە كسى اطاعت می کند و مبنای این اطاعت چیست. آنچه مهم است ماهیتالگوی اقتدار (قدرت مشروع) در جامعه است. مروزه، عمده متفكران جامعه شناسي با اتخاذ رويكرد تركيبي مي كوشند، نشان دهند که جوامع انسانی هم حول محور «کارکرد» سامان یافته اند و هم انباشته از الگوهای منازعه طبقاتی و منازعه اقتدارند. مارگارت َ آرچَــر، پیر بوردیو، آنتونی

طبقاتی، ســـامان می.بابد و همه قلمروهای جامعه به

ر بر بر برارس وی ک اکنون بایدروشن ساخت که وضع امروز جامعه ایران را چگونه می توان بر مبنای مباحث نظری بالا تبیین و تحلیل کرد. جامعه ایران سال هاست که آرمان بنیان نهادن یک نظم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جدید را دنبال می کند. آنچه در رابطه میان سیستی جنیدر رسیس هی عند، بهجه در رجعه مین این ۴ نهاد کار کردی یعنی فرهنگ، سیاست، اقتصاد و اجتماع مسلم است این است که از همان آغاز انقلاب نهاد فرهنگ و پس از آن نهاد اجتماع دارای قدرت بر تر ستین انقلاب نشّان میدهد که مابا بر تری منطق

یا دست بالا در این رابطه بود. به عبارت دیگر سال های گفتو گے ور وابط گرم انسےانی پر دو منطق قدرت و مبادله روبه رو هستیم. در ســالهای بعد، اما، با شد، یافتن منازعات بر سر ماهیت ساختار قدرت در میان ۔ گروههای داخلی و همچنین میان کلیت انقلاب بانظام زور گــوی بین الملل، اندک اندک شــاهد برتری یافتن رور رکید. منطق اقدرت برمنطق گفت و گوبر وابط انسانی ومبادله هستیم، در سال های پس از جنگ و بابالا گرفتن میزان رشداقتصادی کشور، شاهد آنیم که ساختار قدرت برای شبرداهداف سياسي،منطقهاي وجهاني خودازمناب ہے۔ ۔ر اقتصادی واجتماعی کشور به خوبی بهره می گیر دو آنها را در راستای نیازهای خود تعریف می کند. این توضیح مختصر نشان می دهد که برخلاف تحلیل هابرماس در مور د نظم جامعه غرب، ما در جامعه خود با تحت تأثير قراًر دادن اجتماع واقتصاد از سوى سياست و فرهنگ رسمى روبهرو هستيم به عبارت دقيق تر ، ما با شرايطي ر و به رو هستیم که منطق قدرت خود را بر منطق مبادله در حوزه اقتصاد و منطق روابط گرم و اخلاقی انسانی درُ حوُزُه اجتماع حاكم ساخته و نظم كار كردى جامعه را تضعيف كرده است. اكنون در اين وضع چه راهحلي

حسن روحانی، رئیسجمهوری محترم، معتقداست همه پرسی راه حلی است معتصدهست معمورسسی ر- یی
 برای مشکلی که در بالابه تشریح آن پرداختیم. به
 نحه ی او نیز چون هابر ماس ما را به سست استفاده از عقلانيت ارتباطي وقدرت اجماع جامعه فرامي خواند همه پرســـٰی چیز ی نیسُــت جز اجماع یا عدم اجماع جامعه درباره یک مساله بی شــک، روحانی مسأله را . به خوبی می شناســد و آن رااحســاس می کنداما، از منظر جامعهشــناختی، او از قــدرت روابط کار کردی شکل گرفته غافل است. شکل گیری روابطی این گونه م عکم میان قلمروهای کار کسردی جا نیست که بتوان بایک همه پرسی آن را به سمت و سوی دیگر هدایت کرد به زبان مارکس، آنچه اکنون شاهد آن هستیم از وماریشه در شرایط تاریخی پیش از خود دارد. نظم اجتماعی موجود حاصل فرآیندها، روندهاو جریانهای اجتماعی پیچیدهای است که در یک انتزاع تاریخی شکل کنونی خود را بازیافته است. رسیدن به تعادل دوباره کار کردی میان این قلمروها نیز نیازمند تاریخی از تـــلاش و برنامه ریزی و فعالیت سیاســـ ر کی ر حدودی شانس است که آنهار انمی توان در اهمه پرسی ایافت.

ء میتوانبرای ُین مشکل تصور کرد؟

آفقروشن درعرصه خدمات اج

در صفحه ۱۱ بخوانید...

مراقب زبانت باش! ناسيوناليسم زبان دراروپا

> تعادل... عدل... يادمانميرود

مراج آثار هنری توان یابان رافراموشنكنيد

بهقانون جديدمجازات اسلام

نگاهہ

بادداشت

مشاركت اجتماعي ومردم سالاري

امان الله قراثى مقدم

مفهوم مشار کت احتماعی ، از لحاظ تار بخی به

قدمت اولین اجتماعات بشری است زیرا همین که نخستین اجتماعات مانند خانواده و بعد هم

طايفه، قبيله، روستا و دهكده شكل گرفت و طایعه، فیبله، روستا و دهدنده شدل گرفت و پیوستگیهای دیگر و اولین ار تباطلت اجتماعی، بین انسانهای اولیه به وجود آمد، همین مسأله باعث شدافراد یک اجتماع از حال و روز هم باخیر شوند و نسبت به یکدیگر احســاس همدر دی،

سوند و نسبت به یتعدید را مستسف مصدری، همدلی، یگانگی وهمبستگی کنند. به این ترتیب بین آنها اعتماد نسبت به یکدیگر به وجود آمد. این گونه بود که مشار کت اجتماعی در سطحی

بسیار ساده، شکل گرفت و موجب شد تادر مقابل تهاجم حیوانات و حشی و بیگانگان، متحد شوندو

به مبارزه برخیزند به مرور زمان این اجتماعات توانستند به پیشرفتهای اجتماعی نائل آیندو

روره روربرت نهید یک در زمان حاضر بــه قول «فردینانــد تونیس» جامعهشــناس آلمانــی، ارتباطــات انســانها

بایکدیگر اصوری الست و فرد به عنوان عنصر منفک از جامعه و در پیوند قرار دادی

با آن قــُرار دارد و به قــول اپتریم ســوروکین، جامعهشــناس هاروارد، ذهنیت حسی و مادی،

ير جامعه حاكم است، انسيان ها در هر اقدام و

رر . اخذ تصمیمهی، صرفا «مصالح مادی خویش را در نظر می گیرند و یکدیگر را از لحاظ سود

وُ زِیاْن مــوُردارزیابی قَرار می دُهنــد در چنین شرایطی اســت که «خودخواهی» (Egoism)،

اخُودگرانسی، (Egotism) و اخودمحسوری،

(Egocentrism) مدار اندیشه و عمل را

. انســان در فضای محدود شــهرهای بزرگ-

همچـون تهـران- در انبوهـی از عـوارض و آسیبهای اجتماعی گرفتار آمده است.هویتش

ناشناخته، نام و سوابقش نامشخص و موجودی

سراسر مرموز در برابر دیگری است. این انسان

بی هویت، روابطش صوری و سطحی است. به

همین دلیل تنهایی و بی کسی و بی نامی، روح و روانش را آزرده کرده است. او همچون شبحی متحرک است.

ستورک است. بی جهت نیست که اشاو، (Shaw) شهرهای بزرگ رامامن جنایت کاران و بزهکاران می داند جنایتکارانی که بی هیچ نگرانی در انبوه انسان ها،

تشكيلمي دهد.

وزبهروز بردامنه أن بيفزايند

A STATE OF THE PARTY OF THE PAR

پنهان میشوند و ترسی از شناخته شدن به دل

۰ ی انسان ناشناخته در شــهرهای بزرگ - چون تهران-منزلت شناخته شد جوامع روستایی و معنوی). لذا باید در هر لحظه برای دیگران، منزلت خاص خود را به اثبات برساند به عبارت ساده تر، انسان ها در رویارویی با ریر دیگران،بدون توجهبهزوایای روانی یکدیگر صرفا از «جهات فیزیکسی و مادی و ابعاد ظاهری» مثل لباس وطلاو جواهرات،ماشین،خانه و ... یکدیگر

رابهقضاوت می نشینند. روشن است که در چنین وضعی، مشارکت روس است به در چین وضعی، مسار تعا اجتماعی در هرزمینهای همیتی اساسی می یابد. زیرا باعث می شود اروابط صوری ایب اروابط معنوی امیدل شوند و مردم از حال و روز هم بگذارندودرباره آن چارهای بیندیشند.

و به عنوان زمینه ای برای انگیزش، رشد و توسعه همه حانیه (اعم): احتماعی، اقتصادی، سیاسی فرهنگی، آموزشــی و پرورشی، بهدا و همچنین تهییج بــه زیســتن، کار و تلاش را ر افزایش میدهد. چنین زمینهای در نهایت منجر بهمسئولت پذیری،مشار کت وفعالیت ثمربخش در انجام وظایف و دست یافتن به اهداف ساز مانی وملىمىشود. سرد. مسئول ومشار کت کننده،موجب تأمین

در اين جا مشاركت اجتماعي اهميت م

وحُدت ملی، انســجام اُرگانیکی و زمینه انگیزش رشدیافتگی (به عقیده کریس آرگریس (Chris ندن به اهداف Argris) افسراد را در جهت رس ماعی،سازمانی و .. فراهم میسازد،معنویات را درجامعهاستحكاممي بخشدودرنها يتجامعهاى بهُوجودمی آورد که در آن،ار تباط انسانهامعمولا تنها متاثر و منشعب از شرایط ظاهری نیست. به عبارت ســـاده تر، در این جامعه، شناخت متقابل انسان ها معمولا اصرفاا به ویژگی های آنی، فعلی و کنونی آنهامنتهی نمی شود فردخودراتنها و بی کس احساس نمی کند بلکه هر حرکت فرد نه صرفادر خدمت خود و مصالح شخصی، بلکه برای وحدت جمع و تحقق غایتهای آن صورت می گیرد به قول «هربارت» مربی بزرگ تعلیم و تربیت در این جامعه است که میان مصلحت فردو ر... جمع تفاوتی وجودندار د.